

مبانی سیاست حزب برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی (دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران)

صفحه ۲

تشدید کشمکش میان حکومت اسلامی و آمریکا کدام چشم انداز؟ کدام سیاست؟ علی جوادی

صفحه ۳

در پاسخ به مقام امنیتی - دانشگاهی حکومت اصغر کریمی

صفحه ۵

بازهم طنین شعار مرگ بر دیکتاتور در خیابانها شهلا دانشفر

صفحه ۶

جنبشی قدرتمند برای باز کردن در زندانها شهلا دانشفر

صفحه ۶

یادداشتی در مورد

چپ فرقه ای و جنبش علیه حجاب حمید تقوایی

صفحه ۸

کمونیسم متفاوت ما! حسن صالحی

صفحه ۹

اطلاعیه ها در صفحه های ۱۰ تا ۱۲

علیه شکنجه و زندان و اعدام
به مناسبت روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

کنفرانس

"یک صدا علیه شکنجه و زندان و سرکوب"

One Voice Against Torture, Imprisonments and Suppression

هلند - آمستردام

صفحه ۹

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۱۷

جمعه ۳ خرداد ۱۳۹۸، ۲۴ مه ۲۰۱۹

آزادی زندانیان سیاسی را به شعار هر تجمع و اعتراضی تبدیل کنیم! (اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران)

جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات رو به گسترش اجتماعی، دستگیری ها را شدت داده است. شماری از فعالین کارگری، معلمان و زنان و دانشجویان هم اکنون در پشت میله های زندان قرار دارند. باید شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را به یکی از محورهای همه اعتراضات تبدیل نماییم. کارزارهای قدرتمندی برای آزادی دستگیر شدگان و همه عزیزان در بند به جریان اندازیم و سرکوبگران حاکم را زیر فشار جدی قرار دهیم. کاری کنیم که حکومت به

چشم خویش ببیند که دستگیری و زندان برای هزینه سنگینی دارد. در توازن قوای موجود اجتماعی در ایران و در وضعیتی که حکومت دارد، این کاملا عملی و ممکن است.

حکومت اسلامی کسانی را دستگیر کرده است که گناهشان اینست که برای عدالت و آزادی و رفاه مردم مبارزه کرده اند. در روزهای قبل از اول مه و در تجمع اول مه در تهران حدود ۵۰ نفر دستگیر شدند که ۸ نفر از آنان، ناهید خداجو، نسرین

پاسخ مردم به فضای پرتنش کنونی تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است!

خطر تروریسم و جنگ و تحریم و آدمکشی را تنها با سرنگون کردن حکومت اسلامی میتوان از بالای سر جامعه و مردم منطقه برداشت. در شرایط پرتنش حاضر یک اتفاق خارج از برنامه میتواند چاشنی یک جدال خونین باشد. برای مقابله با این خطر نیز باید به مبارزه و اعتراض توده ای علیه جمهوری اسلامی دامن زد.

(حزب کمونیست کارگری ایران)

با توجه به اینکه محتملترین و مطلوب ترین راه قدرتیگیری کمونیسم در ایران انقلاب است و با توجه به اینکه شرایط سیاسی حاضر انقلاب را در چشم انداز جامعه قرار داده است دفتر سیاسی حزب سند زیر را بعنوان مبنای سیاستها و پلاتفرمهای عملی حزب در قبال انقلاب و شرایط انقلابی تصویب و اعلام میکند.

۱- ریشه تمام مصائب جوامع امروزی سرمایه داری است و به همین دلیل طبقه ضد سرمایه یعنی طبقه کارگر از نظر ایزکتیو میتواند به رهبر مبارزات و نماینده و رهبر اکثریت قریب باتفاق مردم، یا باصلاح امروز نود و نه در صیدها، در برابر حکومتهای بورژوائی تبدیل بشود. این رهبری از طریق حزب طبقاتی کارگران تامین میشود.

۲- در روند انقلاب مبارزه طبقاتی نه در مقابله جنبش و نیروهای اپوزیسیون راست و چپ، بلکه بر سر مساله بود و نبود کل حکومت و نظام موجود و در شکل مقابله مردم با حکومت بورژوائی پولاریزه میشود. موقعیت جنبشها و نیروهای اپوزیسیون در دل انقلاب را اساسا پاسخ به مساله دولت و قدرت سیاسی تعیین میکند. تامین رهبری انقلاب و خلع ید بورژوازی از قدرت سیاسی مستلزم عروج حزب انقلابی طبقه کارگر بعنوان رهبر قطب مردم در برابر حکومت است.

۳- تامین هژمونی سوسیالیستی مستلزم بردن راه حل سوسیالیستی مسائل مردم بمیان جنبشهایی است که برای حل این مسائل در جریان است. همه مردم باید ببینند حزب طبقه کارگر حامی و رهبر آنها در مبارزه برای امر بر حق و انسانی خود آنها است.

۴- یک وظیفه محوری کمونیستها در شرایط انقلابی و در جنبش سرنگونی بدست

قطعنامه در مورد

مبنای سیاست حزب برای تامین رهبری انقلاب و کسب قدرت سیاسی

پیگیر مماشات و سازشکاری نیروهای راست با حکومت، ضدیت آنها با انقلاب و مبارزات انقلابی مردم، تلاششان برای بدر بردن نظام حاکم از تهاجم و تعرض مردم انقلابی، و نقد عمیق و برملا کردن تناقضات دکترین وارزشها و گفتمانهای پایه ای جنبش راست با آمال و اهداف انقلابی و انسانی توده مردم است.

۹- در مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی مدنیت و مدرنیسم و ارزشهای جهانشمول انسانی جایگاه تعیین کننده ای دارد. در برابر سیاستهای غربستیزانه و ضدآمریکائیگری ارتجاعی جمهوری اسلامی باید به مردم در ایران و جهان نشان داد که کمونیسم نماینده جهان متمدن و آخرین دستاوردهای علم و هنر و فرهنگ پیشروی است که اساسا از غرب نشات میگردد. امروز این دستاوردها نه بوسیله دولتها و احزاب حاکم در غرب بلکه بوسیله توده مردم و جنبشهای اجتماعی معترض به این دولتها نمایندگی میشود.

۱۰- اشاعه گفتمان و شعارهای جنبش چپ در جنبشهای اعتراضی و در کل جامعه باعث شده است تا نیروهای اپوزیسیون راست نیز به خواستهائی نظیر سکولاریسم، لغو مجازات اعدام، و بعضا آیکونهای چپ نظیر "اعدام قتل عمد دولتی است"، و "آزادی و برابری" تن بدهند. نیروهای راست قادر به تامین این خواستهها نیستند ولی این تناقض به نفع کمونیستها است. هر اندازه اپوزیسیون راست زیر فشار فضای چپ در ایران و در جهان به خواستهها و شعارهای چپ تمکین کند، کمونیستها،

یعنی نیروهائی که واقعا و عملا قادر به تامین شعارها و خواستهها و آمال رادیکال و انسانی مردم هستند، موقعیت قویتر و هژمونیک تری خواهند یافت.

۱۱- در عرصه بین المللی باید سیاست فعالی را علیه جمهوری اسلامی و دولتها و نیروهای طرفدارش در دستور قرار داد. کمونیستها باید بعنوان نماینده و سخنگوی مردم ایران در مبارزاتشان علیه جمهوری اسلامی ظاهر بشوند و افکار عمومی و نیروهای چپ و مترقی و آزادیخواه در سراسر دنیا را علیه جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات مردم ایران بسیج کنند.

۱۲- نقد و افشای استراتژی و نظرات و جهان بینی سیاسی - اقتصادی - فلسفی بورژوازی جهانی (ریاضت کشی اقتصادی، پست مدرنیسم، راسیسم و ترامپیسم، نظم نوین جهانی و هژمونی طلبی میلیتاریستی، عقب نشینی از مدنیت و جامعه مدنی، فدرالیسم و "دموکراسی" موزائیکی، رژیم چنج و معماری قدرت از بالا و غیره) یک جزء مهم کسب هژمونی کمونیستی است. نقد دکترین و سیاستهای فوق ارتجاعی بورژوازی بویژه در ایران اهمیت تعیین کننده ای پیدا میکند چرا که جمهوری اسلامی در تحلیل نهائی خود محصول سلطه این نظرات و سیاستها بر دولتها و احزاب و اتاق فکرهای بورژوازی جهانی است.

۱۳- از نظر سیاسی و در چهارچوب جنبش انقلابی در ایران یک شاخص مهم برخورد ما به دولتها موضع آنان در قبال جمهوری اسلامی و مبارزات مردم است. آنتاگونیسم و تقابل با

همه دولتها، بویژه در شرایطی که غربستیزی و انزوازی سیاسی یک ویژگی جمهوری اسلامی است، عملا به بقای حکومت خدمت میکند. جامعه نباید این تلقی را داشته باشد که چه امروز و چه پس از سرنگونی حکومت، کمونیستها سیاست تقابل و تخاصم با دولتها را دنبال خواهند کرد. این امر چشم انداز تقابل نظامی و خون پاشیدن به انقلاب را در برابر جامعه قرار میدهد و بعنوان یک مانع اساسی بر سر راه انتخاب کمونیسم از جانب توده مردم عمل خواهد کرد.

۱۴- جمهوری اسلامی را باید در میان دولتها و نهادهای بورژوائی جهانی منزوی کرد. برای تحقق این هدف کمونیستها موظفند در سطح بین المللی سیاست و دیپلماسی فعالی را حول خواست بایکوت دیپلماتیک- سیاسی جمهوری اسلامی و عدم برسمیت شناسی آن به عنوان حکومت ایران، در دستور کار خود قرار دهند. پیشبرد پیگیر این سیاست نه تنها جمهوری اسلامی بلکه دولتها و نیروهای سیاسی حامی آنرا در نزد افکار عمومی جهانی افشا خواهد کرد و آنان را تحت فشار قرار خواهد داد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۸،

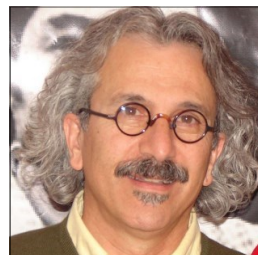
آزادی،
برابری،
حکومت
کارگری

تشدید کشمکش میان حکومت اسلامی و آمریکا کدام چشم انداز؟

علی جوادی

کشمکش و تقابل میان آمریکا و حکومت اسلامی در هفته های اخیر بطور قابل توجه ای افزایش یافته است. به سئوالات متعددی در این زمینه باید پاسخ داد: احتمال حمله نظامی چیست؟ سیاست اصولی در قبال این کشمکش کدام است؟ نقد ما به گرایشات راست پروغریبی و ملی اسلامی در قبال این تحول چیست؟

تبلیغات و تهدیدات هر کدام از دو سوی این تقابل را نباید بهیچوجه بی اهمیت تلقی کرد. اما بین آنچه ممکن است و آنچه ضرورتا محتمل است فاصله و تفاوت روشنی وجود دارد. مستقل از این مساله، اکثر ناظران سیاسی معتقدند که جنگ استراتژی اعلام شده هیچیک از نیروهای متخاصم در این جدال نیست. نه جنگ یک



رکن استراتژی هیات حاکمه کنونی آمریکا است و نه جمهوری آدم کشان اسلامی به دنبال جنگ با آمریکا است. به هر حال مستقل از استراتژی طرفین، نقش فاکتورهای غیر استراتژیک و یا پرووکاسیون و یا اشتباه محاسبه را اصلا نباید دست کم گرفت.

با توجه به آنچه گفته شد من معتقد نیستم که آمریکا و متحدین اش در چنین شرایطی میتوانند دست به چنین ماجراجویی بزنند و یا وارد چنین فازی از تخاصمات شوند. دلایل متعددی، نیروی نظامی آمریکا در حال حاضر توان لجستیکی و موقعیت سیاسی ورود به یک جدال نظامی همه جانبه با رژیم اسلامی و سیاست "رژیم پنج" را ندارد. اکثر ارزیابی های نظامی و سیاسی پیرامون این واقعت به این مساله

اذعان دارند که هر اقدام نظامی محدودی به سرعت به یک جدال و جنگ همه جانبه منجر خواهد شد. جنگی که میتواند خاورمیانه و گوشه هایی از جهان را به آتش بکشد. نتیجتا مخاطرات ورود به چنین فازی برای هر دو طرف و مسلما برای انسانیت بسیار است. از مختل شدن شریان نفتی خاورمیانه گرفته تا زیر ضرب رفتن نظامی مراکز معینی در خاورمیانه و اسرائیل و جنوب اروپا تماما مسائلی هستند که تنها گوشه ای از هزینه چنین اقدامی هستند. بعلاوه غرب فاقد انسجام سیاسی برای ورود به چنین فازی است. به این فاکتور باید سیاست انزوا طلبی آمریکا را در دوران ترامپ را نیز اضافه کرد.

از طرف دیگر حکومت اسلامی، همانطور که خامنه ای بارها تکرار کرده است، میداند قادر به یک مقابله نظامی با آمریکا و ماشین جنگی آن نیستند. رجزخوانی های جنگی را باید از سیاست جنگی کاملاً تمیز داد.

به هر حال، واقعت این است که خطر جنگ، سایه یک فاجعه خونین را در بالای سر جامعه قرار داده است و مردم بحق نگران و مضطربند. چنانچه تقابل و کشمکش دو قطب تروریستی به جنگ تبدیل شود، جامعه دچار صدمات بسیار سنگینی خواهد شد. از این رو ما قرار دادن خطر حمله نظامی و جنگ در بالای سر جامعه را از هر دو سو محکوم میکنیم. ما خطر این جنگ احتمالی را یک فاجعه در زندگی توده های مردم میدانیم. قربانیان این فاجعه مردم اند. عادی ترین مردم. این جدال و کشمکش مردم نیست. توده های مردم کوچکترین منفعتی در چنین جدالی ندارند.

قربانیان اولیه اقدام نظامی و جنگ میان قطبهای تروریستی در درجه اول مردم سرنگونی طلب هستند. مردمی که عملاً حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند. در کمین رژیم اسلامی هستند و برای سرنگونی اش روز شماری میکنند. این نیروی اصلی و تعیین کننده سرنگونی رژیم اسلامی است. واقعت این است که اقدام نظامی محدود نداریم. در صورت شروع عملیات نظامی ما بسرعت شاهد گسترش جنگ و تقابل نظامی طرفین خواهیم بود. در چنین شرایطی جنبشهای اجتماعی و سیاسی که سرنگونی رژیم اسلامی بخشی از هدفشان است، عملاً قیچی و به درجاتی حاشیه ای خواهند شد. فضای نظامی و جنگ فضای آسانی برای تقابل و پیشبرد مبارزه با رژیم اسلامی و تقابل نظامی نیست. جنگ یک عامل مخرب در پروسه سرنگونی رژیم اسلامی است. عاملی که عملاً میتواند منجر به تضعیف نیروی اصلی و تعیین کننده سرنگونی طلب در جامعه منجر شود. اوپاش اسلامی حاکم بر ایران بر "فوائد" این چنین فضایی کاملاً واقفند. خلاصه کنم، باید با تمام قوا در مقابل این شرایط ایستاد. نباید گذاشت که جدال و کشمکش این نیروهای ارتجاعی جنبش ما را برای آزادی و برابری و رفاه همگان که پیش شرط تحقق آن سرنگونی رژیم اسلامی است، قیچی کند.

رنوس یک سیاست

کمونیستی و کارگری در

قبال این جنگ چیست؟

جنگ دو سو دارد. دو نیروی ارتجاعی در دو سوی این کشمکش خونین قرار دارند. در یک طرف عظیم ترین ماشین میلیتاریستی و قلدری

جهان معاصر قرار دارد که کارنامه خونینی در کشتار مردم دارد. در سوی دیگر نیرویی ارتجاعی و تروریستی اسلام سیاسی قرار دارد که رژیم اسلامی در محور آن است. نیرویی که تاریخش را با ترور کور و آدمکشی و سنگسار و اعدام نگاشته اند. نتیجتاً در مقابل با جنگ باید به هر دو سوی این جدال و جنگ احتمالی خونین پرداخت. ما از زاویه مصالح توده های کارگر و زحمتکش در مقابل هر دو سوی این جدال خونین قرار داریم. ما هیچگونه همسویی با هر یک از طرفین این تخاصم نداریم. اردوی ما اردوی بشریت متمدن است. توده های مردم کارکن و زحمتکش. ضد جنگ، ضد رژیم اسلامی، ضد میلیتاریسم و قلدری، برای آزادی، برابری و رفاه همگان. برای یک جامعه آزاد سوسیالیستی.

سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی حلقه اساسی برای دستیابی به یک جامعه آزاد سوسیالیستی است. این سیاست ما چه در زمان جنگ و چه در زمان صلح در قبال این نیروهای ارتجاعی است. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی مبارزه میکنیم اما هیچگونه همسویی با قطب تروریسم دولتی، آمریکا و متحدین اش نداریم. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی کار جنبش عظیم کمونیسم کارگری و جنبش های اجتماعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه و حق طلبانه است. کسانیکه پروژه سرنگونی شان به توپخانه و ماشین آدمکشی تروریسم دولتی گره خورده است، دوستان مردم نیستند. یک نیروی ارتجاعی اند. آن کسانی که راه رسیدن به کاخ ادامه در صفحه ۴

#WPIranNews News - Worker-communist Party of Iran

اساس ریشه بحران حکومت اسلامی نه رابطه با آمریکا، بلکه جنبش اعتراضی مردم و وضعیت انفجاری جامعه است.

در شرایط حاضر هرگونه درگیری نظامی بحران و موقعیت شکننده حکومت را به شدت وخیم تر خواهد کرد. بر خلاف دوران جنگ ارتجاعی ایران و عراق رژیم اسلامی قادر به یک بسیج اسلامیستی - ناسیونالیستی برای جنگ نیست. با مریمی مواجه اند که در کمین رژیم اسلامی اند. مریمی که با خیزشهای شهری و اعتراضات و اعتصابات گسترده و هر روزه خود حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و گلهای بلندی در راه تحقق این آرزوی ۴۰ ساله جامعه برداشته اند.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

www.wpiran.org
www.facebook.com/wpinternational

از صفحه ۳

تشدید کشمکش میان حکومت اسلامی و آمریکا

سیاسی در تحولات ایران است این یک سوی این تخاصم ارتجاعی است. امیدش به آمریکا و ناتو و کل ماشین نظامی غرب است.

در سوی دیگر این کشمکش جریانات پرو رژیم قرار دارند. جنبش ملی - اسلامی سرنوشت اش در اساس به موجودیت کنیف رژیم اسلامی گره خورده است. این جریانات میدانند که در صورتیکه این تخاصمات به فاز نظامی همه جانبه کشیده شوند، رژیمی که علی العموم قصد اصلاحش را دارند، دچار تلاطمات بسیاری خواهد شد و احتمالاً چیزی از آن برای "اصلاح" باقی نخواهد ماند. این گرایشات مخالف تحریم

سازماندهی اعتراضات را سازمان داد. باید جلوی تهاجم وحشیانه رژیم به مبارزات کارگری و جامعه را سد کرد. باید رژیم را سرنگون کرد. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی آلترناتیو و راه حل ما برای مقابله با خطر جنگ است. مقابله با دو قطب تروریستی جهان معاصر آلترناتیو ما برای مقابله با خطر جنگ است. راه دیگری نیست.

اما گرایشات راست و ارتجاعی در این چهارچوب کدامند؟ چه نقدی به این گرایشات دارید؟ چگونه میتوان در عین مبارزه همه جانبه برای سرنگونی رژیم اسلامی به مقابله با این گرایشات رفت؟

همواره با تشدید تخاصمات میان دو قطب تروریستی جهان ما شاهد تحرک دو گرایش ارتجاعی و راست در قبال چنین شرایطی هستیم. از یکسو جریان راست پرو غربی و جماعت قوم پرست به دنبال تکرار سناریوی خونین عراق و لیبی در ایران هستند. این جریانات همانهایی که هستند که پرچم "تنکیو بوش" را در قبال حمله نظامی آمریکا به عراق در دست گرفتند و خواهان تکرار آن در مقابله با رژیم اسلامی بودند. جنگ و تحریم اقتصادی علیرغم ادعاهای ظاهری شان یک رکن مهم سناریوی سیاسی این جریانات برای نزدیک شدن به قدرت سیاسی است. این جریانات فاقد نیروی اجتماعی قابل ملاحظه ای در زمین سیاست هستند. از این رو پرچم شان را به توپخانه ارتش آمریکا و ناتو گره زده اند. حمله نظامی اهرم مهم و تعیین کننده این جریانات برای پیشروی

های قدرتشان با خرد شدن استخوانهای مردم هموار میشود، دوستان مردم نیستند. آنها که راه رسیدن به اهدافشان با فقر و فلاکت و بی دارویی مردم هموار میشود، دوستان مردم نیستند.

مبارزه ما برای جلوگیری از جنگ در ایران به تشدید تلاش برای سرنگونی رژیم اسلامی گره خورده است. ما سیاست "دفاع طلبانه"، یا سیاست دفاع از "دولت خودی" نداریم. برعکس مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی حلقه اصلی سیاست ما درمقابله با جنگ است. خطر جنگ را باید با تصرف قدرت سیاسی و اعمال حاکمیت و اراده شورایی توده های مردم در هر گوشه ای از جامعه و کل جامعه، از میان برداشت. هر گونه سیاست "ضد جنگ" که مقابله با جنگ را به نابودی رژیم اسلامی گره نزنند، یک سیاست ارتجاعی است.

این سیاست در خارج یک رکن دیگر هم بخود میگیرد. ما در خارج کشور سیاست مقابله با دو قطب ارتجاعی را همزمان دنبال میکنیم. ما اجازه نمیدهیم که جریانات مدافع رژیم اسلامی خود را در صف مردم آزادیخواه و صلح دوست قرار دهند. جنگ دو قطب تروریستی را نمیتوان با همسویی با یک قطب این جدال خونین پیش برد.

برای مقابله با جنگ باید متشکل شد. باید سازمان یافت. باید جنبش سرنگونی طلبانه انقلابی رژیم اسلامی را صاحب رهبری واقعی، رادیکال و کمونیستی خود کرد. باید جنبش مجامع عمومی را سازمان داد و همگانی کرد. باید شوراها

عملاً منجر به صدمات بسیاری به مردم محروم خواهد شد. مقابله با این شرایط در عین حال یک رکن پیشروی ماست. ما خواهان سازماندهی و رهبری جنبش سرنگونی طلبانه در جامعه هستیم، اما به شدت مخالف هر گونه اقدام نظامی و یا تحریم اقتصادی هستیم. در هر حال مستقل از اینکه چه ارزیابی ای از احتمال حمله نظامی و ورود جدال این دو نیروی ارتجاعی فاز نظامی متقابل و بدون واسطه داشته باشیم، باید برای چنین شرایط احتمالی آماده بود و خود را برای چنین شرایطی آماده کرد.*

اقتصادی و حمله نظامی اند نه از آن رو که دلشان برای توده های مردم زحمتکش و ستمدیده سوخته است. نه! نگران سرنوشت و موقعیت رژیم اسلامی اند. مخالفتشان از جنس و زاویه مخالفت خوانیهای جریانات پرو اسلامی است، در آن صف قرار دارند.

ما همواره اعلام کرده ایم که خواهان سرنگونی فوری و انقلابی رژیم اسلامی هستیم. سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی پیش شرط تحقق هر گونه تحول آزادیخواهانه و برابری طلبانه و سوسیالیستی در جامعه است. ما در عین حال خواهان پیش برد پروسه ای کم مشقت برای جامعه هستیم. هر گونه دخالت نظامی و یا تحریم اقتصادی

#WPIranNews

News - Worker-communist Party of Iran

مردم ایران نه در جنگ و نه در فضای پر تنش جنگی که ایجاد شده، هیچ منفعتی ندارند.



حزب کمونیست کارگری چه در شرایط "جنگی" و چه در شرایط "صلح" برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک نظام آزاد و برابر و مرفه برای همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکند. حزب تمامی کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به گسترش مبارزه انقلابی برای پایان دادن به کابوس حکومت اسلامی فرامیخواند.

در پاسخ به مقام امنیتی - دانشگاهی حکومت اصغر کریمی



روح الله سلگی، معاون سیاسی بسیج اساتید! تهران درمورد تجمع بزرگ روز ۲۳ اردیبهشت در دانشگاه تهران که علیه طرح حجاب و عفاف برگزار شد گفته است سازماندهندگان این تجمع سرمایه دار و مرفه و بی درد و نفوذی و معاند و انحرافی و مارکسیست هستند و باید دستگاه های امنیتی در شناسایی آنها اهتمام ویژه ای به خرج بدهند و با آنها مقابله کنند. او در مصاحبه خود بارها تکرار میکند که تعدادشان اندک است، با بدنه دانشگاه نسبتی ندارند، تجمع کنندگان تعدادشان کم بود، این جریان پررنگ نیست و بارها تکرار میکند که نباید به آنها بی توجه بود و این دلیل نمیشود که دستگاههای امنیتی کار خود را نکنند.

صحبت های این مقام دانشگاهی که بیشتر به مقام امنیتی شبیه است! به حد کافی گویا است. برای این تعداد اندک که اهتمام ویژه لازم نیست! معلوم نیست او دارد خودش را دلداری میدهد یا امت حزب الله را. سرمایه دار بودن هم، به فرض که این دانشجویان همه هم سرمایه دار و مرفه و بی درد باشند که نباید از دید مقامات حکومت صفت منفی ای باشد چون کل مقامات و آیت الله ها و آقازاده ها به سرمایه داران گردن کلفتی تبدیل شده اند. نیروهای امنیتی که او به آنها وظیفه میسپارد هم وظیفه شان را به خوبی در چهل سال گذشته ادا کرده اند، در دهه شصت دهها هزار کمونیست را زندانی و اعدام کردند، دهها

سراسری رانندگان کامیون ها. این موج چنان توجه همگان را برانگیخت که هشدار دادن های امام جمعه شوش و روزنامه رسالت و اقتصادنامه و روزنامه جوان و صادق لاریجانی تا کارفرمای هفت تپه و رئیس کمیسیون امنیت مجلس شروع شد. بی بی سی نیز این موج را دید و گفت مارکسیست ها در دانشگاهها غلبه پیدا کرده اند.

در سال ۹۲ روحانی پروژه خود را زدودن چپ زدگی تعریف کرد. قبل از روحانی، خاتمی و خامنه ای و مهدی کروبی و برخی دیگر از مقامات حکومت نسبت به خطر کمونیسم هشدار داده بودند. این مقام امنیتی همه اینها را شنیده است، بی فایده ای این هشدارها و اقدامات حول و حوش آن برای مقابله با رشد نفوذ کمونیسم را با گوشت و پوست احساس کرده است، هجوم مردم به دفاتر امام جمعه ها، رویگردانی میلیونی مردم از مذهب و نفرت عمومی از آخوند و اسلام و مقدسات مذهبی، همبستگی جامعه با کارگران و خواست های چپ و سوسیالیستی آنها، گفتمان اداره شورایی و شعارهای مردم علیه حقوق های نجومی و اختلاس آیت الله ها و مفتخوران حاکم و تحرکات وسیع در هشت مارس و اول مه، مناسبت هایی که تاریخا

مهر کمونیسم را برخورد دارند و حتی فشار و تاثیر گفتمان ها و خواست های کمونیست ها را در انجمن های اسلامی دانشگاهها و دهها و صدها مورد دیگر دیده و شنیده است. در اطاق های فکر و جلسات ارگانهای سرکوب هم این بحث ها را شنیده و توصیه هایش! را کرده است. اما میدانند یک کمونیسم اجتماعی و متفاوت که اقتصادنامه آنرا نو چپ ها نامیده است، همه جا در هر تجمع و اعتراض و اعتصابی، علیه حجاب باشد یا علیه بالا کشیدن چندرغاز حقوق کارگر، در تجمعات مقابل زندان ها باشد یا در فریاد حق خواهی مادران و فرزندان زندانیان سیاسی، در عرصه محیط زیست یا حقوق کودک، و یا در تظاهرات های عظیم دیمه ۹۶، همه جا روشن تر و خودآگاه تر از هر زمان دیگری برافراشته است و صدای کارگر و کمونیسم حتی راه خود را در رسانه های ضد کارگر و ضد کمونیستی مثل بی بی سی و صدای آمریکا و غیره باز کرده و جریانات راست را هم آچمز کرده است. سرکوب و عقب راندن چنین نیروی عظیمی دیگر در توان حکومت نیست. هزار بار وحشیانه تر از این سالها چپ و کمونیسم را سرکوب کرده اند و کمونیسم امروز پخته تر و اجتماعی تر

بر اعتراضات مردم حاکم شده است. زورشان را زده اند، سرکوبشان را کرده اند، کل دستگاه تبلیغاتی شان را در طول این چهل سال علیه آن سازمان داده اند، پروژه هایشان را اساسا علیه کارگر و کمونیسم و تحزب تعریف کرده اند و هزینه زیادی کرده اند اما امروز دیگر نمیتوانند مانع گسترش نفوذ آن شوند. کمونیسم نیاز مبرم جامعه است. مقابله با مذهب بعوان ابزار تحمیق و فریب و استثمار نیاز مبرم جامعه است و نه فقط نیاز که جنبش عظیمی حول آن شکل گرفته است و هر روز رنگ طبقاتی روشن تری بخود میگیرد. برابری زن و مرد و آزادی پوشش، رفع هر نوع تبعیض، آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و اعتراض، رفاه و برابری اقتصادی، تحصیل رایگان و درمان رایگان، پایان دادن به حقوق های نجومی، مصادره اموال مفتخوران و آیت الله ها، اینها همه نیاز جامعه است و خواستگاههای چپ و کمونیستی دارد و هرچه بیشتر دارد توده ای میشود. کمونیسم امروز یک نیروی مهم و موثر در فضای سیاسی ایران است، هیچگاه اینچنین توده ای و روشن و اجتماعی نبوده است و هشدارها و تهدیدها هم قبل از هر چیز همین را نشان میدهد.*

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

بازهم طنین شعار مرگ بر دیکتاتور در خیابانها شهلا دانشفر



هفته گذشته، هفته ای پر تلاطم از مبارزات کارگران و مردم معترض در سطح جامعه بود. مردم به جان آمده از فقر، گرانی، تبعیض و بساط دزدسالار حاکم همواره منتظر فرصتی هستند تا بیرون بریزند و اعتراضشان را اعلام کنند. در شب ۲۶ اردیبهشت بعد از بازی فوتبال در چند شهر شمار بسیاری از مردم به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. روز بعدش نیز در شهرک قدس مردم با شعار مرگ بر گرانی، نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم، دست به اعتراض زدند. این در

شایسته انسان را به نمایش میگذارد.

بحران اقتصادی حکومت بیش از هر وقت تمام تار و پود جامعه را زیر فشار گرفته است. امروز بحث بر سر سونامی گرانی است. قدرت خرید مردم هر روز کمتر میشود. این وضعیت زندگی و معیشت مردم را در چنگال خود خرد میکند. از جمله با فلج شدن اقتصاد کشور هر روز کارخانجات بیشتری به تعطیلی کشیده شده و کارگران بیشتری از کار بیکار میشوند و بیکاری عظیم میلیونی آنها در اوج بی‌تامینی اجتماعی به یک فاجعه بزرگ انسانی تبدیل شده است. در حالیکه تمام تلاش حکومت اینست که همه کوزه‌ها را بر سر تحریم‌ها بشکند و با گرفتن شمشیر جنگ بر روی سر مردم، اعتراضات آنها را به عقب

سیاسی طبعاً به مساله آزادیهای بی‌قید و شرط سیاسی در جامعه گره خورده و پیوند ناگسستنی دارد. از همین رو مردمی که انزجار خود را از خفقان و سرکوب و دستگیری و شکنجه به اشکال مختلف بیان میکنند، امروز روشنتر و شفافتر از هر وقت مدافع آزادی بی‌قید و شرط سیاسی هستند. از جمله قطعنامه‌های روز جهانی کارگر تأکید صریحی بر آزادی‌های پایه‌ای سیاسی همچون حق تجمع، حق اعتصاب، آزادی بیان و عقیده، آزادی مطبوعات و آزادی احزاب داشت. این خود نشانی از خصلت رادیکال و چپ جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی است که ابعادش اجتماعی شده و دارد کل بسط سرکوب و جنایت سرمایه‌داری وحشی حاکم را به چالش میکشد. کارزارهایی چون کارزار علیه شکنجه و زندان که اسماعیل

بکشد، مردم به خیابان می‌آیند و با شعار "مرگ بر دیکتاتور" کل حاکمیت را به عنوان مسبب همه فجایعی که بر سر جامعه آمده مورد نشانه قرار میدهند. مردم با این شعار در واقع صدای اعتراضشان را به ۴۰ سال فقر و فلاکت و حاکمیت جهل و خرافه و آپارتاید جنسی بر کرده جامعه اعلام کردند. به عبارت روشنتر مردم در مبارزات هر روزه شان دارند پایه‌ای ترین ارکان حکومت اسلامی و قوانینش را به چالش می‌کشند و اعتراضشان به کل نظام جنایتکار مذهبی و دزدسالار سرمایه‌داری حاکم است.

اما نکته شورانگیز اینجاست که طبقه کارگر امروز با گفتمان‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه در جلوی صحنه سیاسی جامعه قرار گرفته و با عروج

و جنایت رژیم اسلامی را که آشکارا در خدمت منافع و حفظ نظام سرمایه‌داری حاکم است به چالش می‌کشند.

این چنین است که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با گامهای استوار به جلو گام برداشته و هر روز دامنه گسترده تری پیدا میکند و این خود انعکاسی از فضای پر تلاطم جامعه است. با اتکاء به پیشروی‌های این جنبش میتوان و باید قدرتمند تر به میدان آمد و در زندانها را گشود.

به وجوه قابل توجهی از مبارزه همین امروز جامعه برای آزادی زندانیان سیاسی نگاه کنیم.

برگزاری تجمعات با خواست آزادی دستگیر شدگان قرار گرفتن خواست آزادی دستگیر شدگان به عنوان محور اول اعتراض در

آن این کمونیسم و حزب است که به عنوان شکل تعین یافته اش به جلو گام بر میدارد. قطعنامه‌های روز جهانی کارگر به عنوان پلانفرم جامعه برای مبارزاتش، نمودی آشکار از این واقعیت است. در دل این شرایط است که گفتمان "اداره شورایی" که فریادش از دل مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه و با صدای رسای رهبری چون اسماعیل بخشی بلند شد، به عنوان آلترناتیوی مقابل کل جامعه قرار گرفت. در چنین شرایطی است که در این هفته بار دیگر شعار مرگ بر دیکتاتور در خیابانها طنین انداخت که حاکی از روند انقلابی است که جامعه‌ای انسانی را فریاد میزند. زنده باد انقلاب!*

تجمعات مختلفی از سوی معلمان، بازنشستگان و کارگران در یک ساله اخیر قدم مهمی در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بوده است. از جمله خواست اول اعتصاب مهر ماه و آبانماه معلمان و تحصن آنها در مدارس و تجمعات سراسری روز دوازده اردیبهشت امسال آنان، خواست آزادی معلمان در بند بود. ضمن اینکه در خیابان با شعارهایی چون کارگر زندانی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد خواستار آزادی زندانیان سیاسی شدند. این تجمعات در عین حال واکنش جامعه به سرکوبگری‌های حکومت بوده است. یک نمونه درخشانش واکنش جامعه با شعار "مستند، شکنجه، دیگر اثر ندارد"، در پاسخ به نمایش مفتضحانه مستند "طراحی ادامه در صفحه ۷

جنبشی قدرتمند برای باز کردن در زندانها شهلا دانشفر

همگام با پیشروی‌های جنبش کارگری و عرصه‌های مختلف مبارزه در سطح جامعه، جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی هر روز قدرتمند تر به جلو گام بر میدارد. در یکسال اخیر شعار کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد بیش از هر وقت به شعار خیابان تبدیل شده است. نمونه‌های درخشانی از آن تجمعات اعتراضی معلمان، بازنشستگان و اعتراض قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اروز است که در همه آنها این شعار رسا و کوبنده بر فضای خیابانها طنین انداخت. مساله آزادی زندانیان

از صفحه ۶

سوخته" در صدا و سیمای جمهوری اسلامی بود که با هدف پرونده سازی های کذایی برای اسماعیل بخشی و سپیده قلیان و فعالین دیگر براه انداخته شده بود. نمونه دیگر از همین دست فراخوان اخیر معلمان در شهر ارومیه به تجمع در دوم خرداد ماه در اعتراض به دستگیری یاسر امینی آذر معلم بازداشت شده در مهاباد بود. جالب اینجاست که در حالیکه معلمان در تدارک این تجمع بودند و طی کارزاری گسترده در حمایت از یاسر طوماری اعتراضی به راه افتاده بود. همچنین کلیپ های بسیاری در حمایت از وی از سوی معلمان و دانش آموزان در مدیای اجتماعی پخش شده بود، یاسر امینی در سی ام اردیبهشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیونی آزاد شد. این کارزار نمونه درخشانی از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی است که قدرت متحد مبارزات ما را به نمایش میگذارد و به کل جامعه راه نشان میدهد.

خانواده ها در صف جلوی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

یک پیشروی مهم در مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، قرار گرفتن مادران، همسران و اعضای خانواده های بازداشت شدگان در صف جلوی این مبارزه است. امروز خانواده ها نه فقط به دستگیری عزیزان خود اعتراض دارند، بلکه صدای اعتراضشان به کل بساط زندان و سرکوبگری حکومت است. یک نمونه درخشان آن، نقش خانواده ها در مبارزات قدرتمند کارگران گروه ملی و نیشکر هفت تپه است. همچنین در مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان شماری از مادران و همسران کارگران

جنبشی قدرتمند برای باز کردن در زندانها

و فعالین اجتماعی بازداشت شده با نقش ارزنده ای که ایفاء کرده اند امروز به چهره های شناخته شده ای در سطح جامعه تبدیل شده و یک الگو هستند. نکته قابل توجه اینجاست که در این مبارزه خانواده ها خود در امر مبارزه ای که عزیزانشان به خاطر آن دستگیر و زندانی میشوند، شریک بوده و به عنوان مدافع مبارزت کارگران، معلمان و بخش های معترض جامعه قد علم میکنند. از جمله هنگامیکه پروین محمدی از چهره های شناخته شده کارگری در بازداشت بود، مادر وی خانم شرف الدین طی سخنانی زیبا و شورانگیز با گفتن اینکه پروین محمدی ها بسیارند، اظهار امیدواری کرد که روزی برسد که هیچ زندانی سیاسی نباشد. بعد نیز در پیامی دیگر روز جهانی کارگر را گرمی داشت. نمونه شایان ذکر دیگرش خانم احترام شکوری مادر ناهید خداجو یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است. او با گفتن اینکه که دخترش خطایی نکرده است، بلکه روز ۱۱ اردیبهشت به مقابل مجلس اسلامی رفته است برای اینکه از حق کارگر و از حق خودش دفاع کند، از همه مردم تقاضا میکند که بیایند و دستگیر شدگان اول مه را حمایت کنند. او در سخنانش بطور واقعی کیفرخواستش را علیه ۴۰ سرکوب اعلام میکند. خانم سارا شقاقی، مادر ناهید شقاقی فعال ندای زنان ایران نیز صدای اعتراضش را بلند کرده و میگوید: "کجای دنیا دفاع از حقوق زنان و سواد

آموزی و کمک به زلزله زده و سیل زده جرم است؟". در همین راستا خانم منیر عبدی همسر اسماعیل عبدی مثال برجسته دیگری است. او همواره در سخنانش از مبارزات اسماعیل عبدی به عنوان معلم معترضی که یک خواست مهمش تحصیل رایگان برای همه کودکان و تاکید بر معیشت و کرامت معلم بوده است، یاد کرده و مبارزات او را ارج گذاشته است. منیزه عبدی در سخنرانی اش در مراسم ۸ مارس امسال این روز را از طرف خودش و همسرش عبدی به همگان شادباش گفت و بعنوان زنی که همسرش در بازداشت است از مشکلات اجتماعی و اقتصادی این که این دستگیری ها برای خانواده ها ایجاد میکند، صحبت کرد و سخنانش را با این جمله خاتمه داد: "به امید آن که جامعه ای در ایران بسازیم که عاری از هرگونه سرکوب و سانسور، ستم و تبعیض و بهره کشی باشد". در نمونه ای نیز فرزندان اکرم نصیریان فعال ندای زنان ایران را می بینیم که با نواختن موزیک و و با گفتن اینکه "مادر بیش از همیشه به تو افتخار میکنیم"، مرتباً آخرین اخبار از وضع مادرشان را رسانه ای میکنند. این لیست طولانی است و این چنین است که در جریان حضور درخشان خانواده ها در مبارزه برای آزادی دستگیرشدگان، دهها چهره مبارز و سخنگوی معترض در جلوی صحنه جامعه قرار میگیرند.

کارزار # نه به وثیقه، کارزاری برای آزادی بدون قید و شرط

کارزار نه به وثیقه تاکیدی بر آزادیهای سیاسی در سطح جامعه و کارزاری در راستای

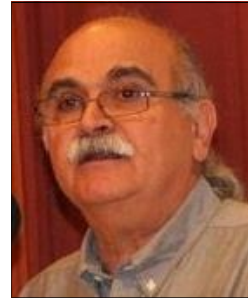
مبارزه برای آزادی بدون قید و شرط سیاسی است. مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی امروز در جامعه با این کارزار گامی مهم به جلو برداشته است. ناهید خداجو از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر پرچم این کارزار را برافراشت. اکنون معلمان در تدارک آخرین تجمع سراسری خود در سال تحصیلی جاری در خرداد ماه هشتک # نه به وثیقه را به راه انداخته اند. تجمع سراسری معلمان در ادامه تجمعات اعتراضی قبلی آنها و برای پیگیری خواستههایشان است. اما یک محور مهم آن اعتراض به دستگیری ها و امنیتی کردن مبارزات است. این چنین است که معلمان در صف جلوی مبارزه برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی قرار گرفته اند.

طومارهای اعتراضی در حمایت از زندانیان سیاسی یک شکل مهم از مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی به راه افتادن طومار های اعتراضی است. یک نمونه مهم آن طومار اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در حمایت از رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی در اسفند ماه و در اعتراض به ادامه بازداشت وی با خواست آزادی بدون قید و شرط او بود. طوماری که بخش بزرگی از کارگران این مجتمع کارگری آنرا امضا کردند و با این کار با رهبری که برای مردم سمبل آزادیخواهی، برابری طلبی و گفتمان اداره شورایی است، تجدید عهد دوباره ای کردند. نمونه های اخیرتر ای این شکل اعتراض یکی نامه سرگشاده حدود ۹۰۰ اهل قلم ایران با خواست لغو حکم ۶ سال زندان سه عضو قانون

نویسندگان رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن به اتهامهایی نظیر "تبلیغ علیه نظام" است. و مورد دیگر طوماری است که هم اکنون جاری است و در حمایت از ۸ نفر از دستگیرشدگان روز جهانی کارگر که هنوز در بازداشت بسر میبرند، به راه افتاده است. این طومارها ابعاد دیگری از اجتماعی بودن مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی را به نمایش میگذارد. واقعیت اینست که در فضای پر تلاطم جامعه و در حالیکه اعتراضات کارگری و بخش های مختلف جامعه هر روز سازمانیافته تر و تعرضی تر به جلو می آید، حکومت اسلامی میکوشد با دستگیری و احضار فعالین کارگری و اجتماعی، این مبارزات را عقب زدند. اما واقعیت شورانگیز دیگر قدعلم کردن جنبشی چپ و رادیکال و انسانی با خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانی برای آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی است که و کل بساط سرکوب و جنایت سرمایه داری وحشی حاکم را به چالش میکشد.

کارزاری بین المللی برای آزادی زندانیان سیاسی یک نقطه قدرت جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، حمایت های بین المللی از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است. این حمایت ها در طول یکسال اخیر همگام با اجتماعی تر شدن مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ابعاد گسترده تری پیدا کرده است و ما شاهد اعلام کارزاری های قدرتمند از سوی بزرگترین کنفدراسیون های کارگری جهانی در حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران و در محکومیت سرکوبگری های ادامه در صفحه ۱۲

یادداشتی در مورد چپ فرقه ای و جنبش علیه حجاب حمید تقوایی



بدنبال تجمع اعتراضی دانشجویان علیه حجاب و شعار "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" که از جانب تعداد معدودی از دانشجویان مطرح شد بحث هایی له و علیه این شعار در مدیای اجتماعی درگرفته است. من قبلا در گفتگویی با سازمان جوانان حزب در کانال جدید به تفصیل در این مورد صحبت کرده ام. اما لازم دیدم در یادداشتی از زاویه جنبش علیه حجاب نیز به این مساله بپردازم.

به نظر من این شعار چپ فرقه ای و بیربط به جنبشهای اعتراضی و بویژه جنبش علیه حجاب و آپارتاید جنسی را نمایندگی میکند. کسانی که در تجمع دانشجویان شعار علیه مسیح علینژاد را مطرح کردند و نیروهائی که از این شعار دفاع میکنند ربط چندانی به مبارزه زنان علیه حجاب ندارند. نسب این نیروها به همان سازمانهای چپی میرسد که در اولین برآمد توده ای علیه حجاب اجباری در هشت مارس سال ۵۷ در پیاده رو ایستادند. اکثر قریب باتفاق سازمانهای چپ

کردند و از کنار آن گذشتند. در اوج حرکت دختران انقلاب در هشت مارس سال ۹۷ نیز نه در اعتراض به حجاب و آپارتاید جنسی - شعاری که حزب ما بر آن تاکید میکرد- بلکه با شعار مزد برابر در ازای کار برابر بخیا بان آمدند و بی ربطی کامل خود به جنبش رهائی زن - و همچنین به جنبش اضافه دستمزد- را به نمایش گذاشتند.

بالا بردن شعار "علینژاد و ارشاد، ارتجاع و انقیاد" در تجمع دانشجویان ادامه همین حرکت چپهای بیربط به جنبش علیه حجاب است. چپی که حتی در روز جهانی زن شعار علیه حجاب و آپارتاید جنسی را مطرح نمیکند طبیعی است که با شعار علیه اپوزیسیون راست در تجمع دانشجویان علیه حجاب حضور بهم برسانند. این تنها راه ابراز وجود چپ فرقه ای و ایدئولوژیک در جنبشهای اعتراضی است.

خیال خود دارند جنبش راست را نقد و افشا میکنند ولی عملا آنرا بزرگ میکنند. لازم میبینند علیه کسی مثل مسیح علینژاد شعار بدهند چون جنبش علیه حجاب را متعلق به نیروهای راست میدانند. مسیح علینژاد نه در تجمع اعتراضی دانشجویان نقشی داشت و نه حتی نامش

هیچگاه در هیچ حرکت جنبش دانشجویی مطرح شده بود. حرکت ضد حجاب دانشجویان نه در امتداد آزادیهای یواشکی و چهارشنبه های سفید، بلکه در نتیجه فعالیتهای کمونیسمی شکل گرفت که پرچم نه به حجاب و نه به آپارتاید جنسی و گفتمان انقلاب زانه را در جامعه و در جنبش دانشجویی بلند کرده است و خود یک نیروی موثر این مبارزه بوده است. آنچه در این حرکت نام مسیح علینژاد را بر سر زبانها انداخت مطرح کردن شعاری علیه او در دل اعتراض رادیکالی بود که بدون طرح بیجای آن شعار به گفتمان عمومی در مدیای اجتماعی و در جامعه تبدیل میشد و بسیار کوبنده تر و تعرضی تر جنبش دانشجویی را علیه حکومت حجاب و آپارتاید جنسی نمایندگی میکرد.

اما چپی که در این مبارزه دخیل نبوده و نقشی نداشته، چپی که در مبارزات خیابانی علیه حجاب همیشه در پیاده رو ایستاده است، ناگزیر است با شعار علیه اپوزیسیون راست به خیابان برود. این نقد راست نیست، مقهور شدن به راست است. امتیاز دادن به اپوزیسیون راست است. در ۸۸ خیزش انقلابی مردم را به حساب موسوی واریز کردند و با شعار مردم خر نشوید بی

عملی خود را توجیه کردند و امروز جنبش علیه حجاب را به حساب اپوزیسیون راست واریز میکنند و با شعار علیه علینژاد عملا به این توهم دامن میزنند که راست همه کاره است. این نقد و افشای اپوزیسیون راست نیست، بزرگداشت اوست.

فراخوان من به همه کمونیستها اینست: جنبش راست اپوزیسیون را پیگیر و همه جانبه نقد کنید - کاری که یک امر وقفه ناپذیر حزب ما بوده است- اما در خیابان ریشه و اساس مصائب مردم را هدف بگیرید.

در جنبشهای اعتراضی و حق طلبانه جاری کمونیستها تنها با طرح شعارهای رادیکال و عمیق در نقد و اعتراض به مساله مشخص هر جنبش میتوانند به نیروی رهبری کننده آن تبدیل بشوند. این امر بویژه در مورد جنبش سرنگونی صدق میکند. مردم سرنگونی طلب رهبر خود را در مبارزه نیروهای اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی می سنجند و انتخاب میکنند و نه در رقابت و مقابله آنها با یکدیگر. اپوزیسیون اپوزیسیون راست شدن نه تنها جایگاهی غیر واقعی به این نیروها میدهد و آنرا بزرگ میکند بلکه عملا آب به آسیاب جمهوری اسلامی میریزد. * ۲۲ مه ۱۹

سوسیالیسم راه نجات ما است!

سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!
زنده باد سوسیالیسم!

**حزب کمونیست
کارگری ایران**

ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا

سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و

از هست و نیست ساقط کرده اند. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های

بیش از چهل سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه هایشان تماما خالی شده است. سالها استشارمان کرده اند و هر وقت نخواسته اند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را

کمونیسم متفاوت ما!

حسن صالحی

"کمونیستی" که فکر می کند در یک تظاهرات خیابانی علیه جمهوری اسلامی با سر دادن شعارهایی علیه اپوزیسیون بورژوازی حکومت، پیروزی انقلاب مردم ایران را تضمین کرده است سخت در اشتباه است. در شرایطی که جمهوری اسلامی بر سر کار است و جنبش انقلابی مردم قبل از هر چیز حکومت را نشانه گرفته است، شعار دادن در تظاهرات خیابانی علیه اپوزیسیون حکومت اعم از رضا پهلوی و یا مجاهد و یا حزب دمکرات، نادرست و ضعیف کردن حمله به جمهوری اسلامی است. چه حاشیه ای با انجام چنین کاری فقط سندانزوی خود را امضا کرده است. لازم نیست کسی آنها را منزوی کند. مبنای قضاوت مردم در مبارزه علیه جمهوری اسلامی این است که کدام جریان سیاسی قادر است که به نحو کامل تر و همه جانبه ای تر "نه مردم" به این حکومت را نمایندگی کند. مردم به دنبال نیروهای چپی نمی افتند که به دلیل "دلواپسی" از قاپ زدن جنبش انقلابی مردم توسط نیروهای راست با سراسیمگی در خیابان علیه این اپوزیسیون شعار سر می دهند. بخصوص آنجایی که این جریانات اصلا هیچ نقشی در برگزاری تظاهرات ضد حکومتی نداشته اند. این نشانه قدرت نیست. این نشانه بی اعتماد به نفسی، نشانه ضعف است. قدرت گرفتن چه در ایران قبل از هر چیز مستلزم این است که چه در راس مبارزه علیه جمهوری اسلامی خواستهای مردم معترض را نمایندگی کند.



کمونیستها همواره جریانات بورژوازی را مورد نقد قرار داده و می دهند ولی در مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی، زدن آلترناتیو راست از طریق شعار دادن علیه این اپوزیسیون در اعتراضات ضد حکومتی نمی گذرد. بلکه از طریق نقد رویکرد این جریان به سرنگونی جمهوری اسلامی و مقابله با مانع تراشی این جریان بر سر انقلاب مردم می گذرد. نقد سیاسی و اجتماعی این اپوزیسیون در خیابان از طریق سر دادن شعارهایی علیه آن صورت نمی گیرد. بلکه از طریق سر دادن شعارهایی صورت می گیرد که از قضا این جریانات سر نمی دهند. شما به هر درجه که فریاد زنی "اعدام قتل عمد دولتی است"، "نیروهای سرکوبگر باید منحل شوند"، بر اداره شورایی و رفاه و آزادی تاکید کنید و ... قدرت نفوذ اپوزیسیون بورژوازی را در خیابان بسته آید. ما همیشه چنین عمل کرده ایم و همیشه نیز موفق بوده ایم. اشکال چه در جریان انقلاب ۵۷ این نبود که در اعتراضات خیابانی علیه خمینی شعار نداد. اشکال این بود که چه بطور متشکل اصولا وجود نداشت که با طرح شعارهای سلبی علیه حکومت پهلوی و ترجمه سرنگونی دیکتاتوری پهلوی به گزینشی قابل انتخاب برای مردم باشد. اما این چه الان وجود دارد و اثر و نشانه آن را

در هر جنبش اعتراضی در ایران و منجمله اعتراضات اخیر دانشجویان تهران علیه حجاب اجباری و تحمیلات مذهبی می شود ملاحظه کرد.

خیلی خوشحال هستم که حزب کمونیست کارگری ایران با چه حاشیه ای همواره مرزبندی داشته و راه و رویکردش متفاوت بوده است. خیلی خوشحال هستم که ما حزبی هستیم که در قاطعیت مبارزه خودمان علیه جمهوری اسلامی، علیرغم نق و نوق زدن بعضی چپ های دیگر، کنفرانس برلین را خلق کردیم و اجازه ندادیم که عده ای با ماله کشی، جمهوری اسلامی را حفظ کنند. من خیلی به چپ متشکل در حزب کمونیست کارگری می بالم که در عرصه مبارزه علیه سنگسار و اعدام گلولی جمهوری اسلامی را گرفت، خیلی ها را از اعدام نجات

داد، هزینه اعدام ها را برای جمهوری اسلامی بالا برد و الان خیلی نیز از "اعدام قتل عمد دولتی است" حرف می زند. من خیلی بر این چپ می بالم که حتی وقتی جمهوری اسلامی از آن حرف می زند می گوید مشغول سازمان دادن اعتراض اجتماعی هستند. من به این چپ افتخار می کنم که تمام خاکیهای را که اپوزیسیون بورژوازی بر راه سر مردم ایجاد کرده است نظیر رفراندم، رژیم چنج، فدرالیسم فرشرگرد، ققتوس و ... نقد و افشا کرده و به مردم راه و مسیر درست را نشان داده است. ما تنها چپی هستیم که کوهی از ادبیات در نقد ناسیونالیسم، مذهب، تعبیر سرمایه دارانه از آزادی، پست مدرنیسم، کورش پرستی... داشته ایم. فقط یک قلم از بحث ها و گفتمان ما پیرامون متعفن بودن ناسیونالیسم، در نقد

مذهب و انجام مذهب زدایی در ایران و همینطور نقد عمیق ما به بردگی مزدی و رزم و مبارزه ما در این عرصه ها کافیسست که مشخص کند که این کمونیسم کجا ایستاده است و به دنبال چیست. ما می دانیم مشغول چه هستیم و محکم تر از پیش به این راه ادامه خواهیم داد و به چیزی کمتر از رفتن جمهوری اسلامی و یک پیروزی تمام عیار سوسیالیستی در ایران قانع نمی شویم. چه حاشیه ای که به دلیل عرق ضد آمریکایی اش حسن نصراله حزب الله را مورد تحسین قرار می داد و قرار بود که با حجازیان دو خردادی مجلس موسسان تشکیل بدهد و در مقابل حمله نظامی آمریکا به ایران به ما قول داده بود که مبارزه علیه جمهوری اسلامی را در طاقچه بگذارد، ربطی به ما و جنبش انقلابی کارگران و مردم زحمتکش ایران ندارد.*

علیه شکنجه و زندان و اعدام

به مناسبت روز جهانی در حمایت از زندانیان سیاسی

کنفرانس

"یک صدا علیه شکنجه و زندان و سرکوب"

شانزدهم ماه ژوئ ساعت ۱۳ الی ۱۷
مکان:
Chris Lebeaustraat 4
1062 DC Amsterdam
لیست سخنرانان متعاقبا
اعلام خواهد شد.
کمیته مبارزه برای آزادی
زندانیان سیاسی
www.cfppi.org
برای اطلاعات بیشتر با
شماره تلفن زیر تماس حاصل
نمایید
+ 19 6569 16 6 31
Parisa Pouyande
+31 6 48 1803 26 Aliye
Yurdan
+31 6 15 9476 84
Shirin Hosseini

بشردوست در سراسر دنیا این جنایات علیه انسانیت را افشا کرده و مورد اعتراض قرار داده و صدای زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را در سراسر دنیا انعکاس میدهند.
امسال در روز جهانی حمایت از زندانیان سیاسی در ایران، صدای زندانیان سیاسی در ایران، ترکیه، مراکش، فلسطین و سراسر جهان باشیم. همه با هم یکصدا علیه شکنجه و زندان و سرکوب اعتراض کنیم و اعلام کنیم که انسانیت مرز ندارد.
تاریخ و زمان کنفرانس،

سرکوب، دستگیری و شکنجه فعالین حقوق انسانی در ایران و کشورهای منطقه به یک تصویر هر روزه تبدیل شده است. هزاران نفر در این کشورها تنها به جرم ابراز عقیده، کمک به قربانیان جنگ و آسیب های اجتماعی و تلاش برای یک دنیای بهتر تحت پیگرد و شکنجه قرار میگیرند. حکومت های دیکتاتور در این کشورها برای حفظ قدرت از هر شگرد و روشی برای سرکوب مردم استفاده می کنند.
این در حالیکه که میلیونها انسان آزادیخواه و دهها اتحادیه و سازمان

آزادی زندانیان سیاسی را به شعار هر تجمع و اعتراضی تبدیل کنیم!

مبارزه و اعتصاب و اعتراض و راه متشکل شدن را هموارتر کرده ایم. حزب کمونیست کارگری کلیه مردم معترض را، کارگران و معلمان و دانشستگان و دانشجویان و زنان و کلیه تشکل های آزادیخواه و کلیه فعالین جنبش های مردمی را فرامیخواند که برای عمومی تر کردن هرچه بیشتر خواست آزادی فعالین و زندانیان سیاسی تلاش مستمیری را در دستور بگذارند. باید حربه زندان را هرروز بیشتر و بیشتر از دست حکومت بگیریم و با آزادی عمل بیشتری دست به کار متشکل کردن توده های وسیع مردم و اعتصابات و تجمعات سراسری شویم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کارگر زندانی، معلم زندانی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸،
۱۹ مه ۲۰۱۹

آزادی بی قید و شرط و فوری کلیه زندانیان سیاسی و فعالین جنبش های حق طلبانه باید در صدر همه خواست ها قرار گیرد. در هر تجمعی که به هر مناسبتی برگزار میشود باید "شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" در کنار شعار مرگ بر دیکتاتور توسط مردم فریاد زده شود. کارزار موثری توسط بستگان و عزیزان فعالین در بند به راه افتاده است و در قطعنامه ها و تجمعات اعتراضی و برخی اعتصابات خواست آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به صدر خواست ها رانده شده است. باید این حرکت ها را هرچه بیشتر تقویت کنیم. به هردرجه بتوانیم جلو دستگیری فعالین را بگیریم و یا مانع نگهداشتن آنها در زندان شویم، به هردرجه بتوانیم فعالین را بدون قید و شرط و وثیقه و کفالتی آزاد کنیم و به هردرجه بتوانیم با تجمعات خود در مقابل زندانها و مراکز دولتی فشار برای آزادی آنها را بیشتر کنیم، راه

مفتخوری ها هستند، علیه سیستم ظالمانه قضایی و شکنجه و زندانی کردن فعالین اند، علیه قوانین ضد کارگردن، علیه حقوق های نجومی و فلاکت عمومی اند، علیه لاقیدی به زندگی سیل زدگان و زلزله زدگانند، علیه بیحقوقی مردم و خواهان اداره شورایی جامعه اند. اینها در یک کلام مخالف جهنم موجود و فعال و مدافع یک جامعه انسانی و یک زندگی خلاق و شاد و انسانی برای همگان هستند. خواست های اساسی دهها میلیون مردم معترض را نمایندگی میکنند و جرم همه آنها یکسان است. مشکل جمهوری اسلامی اما این است که امروز میلیون ها نفر مثل اینها فکر میکنند، هر فعالی را میگیرند فعالین بیشتری قد علم میکنند و به جلو صحنه میایند. امروز حکومت در مقابل مردم از همیشه ناتوان تر است و نمیتوان و باید به تمام ارکانش هجوم برد و بعنوان اولین اقدام زندانیان را از زندانها بیرون آورد. جامعه باید با تمام قوا برای آزادی کلیه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی تلاش کند.

بهشتی، عبدالرضا قنبری، روح الله مردانی، یاسر امینی آذر و محمدعلی زحمتکش، در زندان به سر میبرند و برخی از آنان به چندین سال زندان محکوم شده اند. جمهوری اسلامی از نقش و تاثیر حضور و فعالیت این طیف از فعالین بخوبی آگاه است. میداند که فعالیت و صحبت های اینها آگاهی عمومی جامعه را بالا برده است و مردم را متحدتر و همبسته تر کرده است. به همین علت مدام علیه شان پرونده سازی میکند و آنها را دستگیر میکند تا اعتراضات مردم را عقب براند. میداند که اینها فعالین حقوق کارگردن، علیه فقر و تبعیض و هر نوع ظلم و نابرابری هستند، فعال حقوق زن هستند، علیه حجاب تحمیلی و سیستم آپارتاید جنسیتی و کل بیحقوقی های زن هستند، مدافعین آزادی بیان و عقیده اند، خواهان یک زندگی شاد و امن و انسانی برای کودکان هستند، خواهان رفاه و آزادی همه مردمند، خواهان تحصیل رایگان و درمان و بهداشت رایگانند، علیه فساد و اختلاس و

جوادی، فرهاد شیخی، حسن سعیدی، کیوان صمیمی، مرزیه امیری، عاطفه رنگریز و ندا ناجی همچنان در بازداشت به سر میبرند. در تجمع معلمان در روز ۱۲ اردیبهشت ۸ نفر دستگیر شدند. روز ۲۵ اردیبهشت سه نفر از اعضای کانون نویسندگان، رضا خندان مهابادی، یکتاش آبتین و کیوان باز هرکدام به شش سال زندان محکوم شدند. اکرم نصیریان و ناهید شقاقی از فعالین حقوق زن و حمایت از سیل زدگان دستگیر شده اند. روز ۲۶ اردیبهشت تعدادی از فعالین حقوق زن که در شهر مریوان علیه خشونت به زنان و قتل های ناموسی دست به تجمع زده بودند بازداشت شدند. در فاصله بین ۱۹ تا ۲۵ اردیبهشت نیز حدود ۱۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه که یک کانون داغ مبارزه است بازداشت شده اند. علاوه بر اینها تعدادی از فعالین کارگری از جمله اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده و سپیده قلیان و تعدادی از معلمان اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود

اعتصاب کارگران راه آهن تبریز هماهنگ با کارگران اراک و نورآباد سازند

بنا به اخبار مندرج در رسانه ها، کارگران راه آهن تبریز در هماهنگی با کارگران راه آهن اراک و نورآباد سازند، دست به اعتصاب زده اند. این کارگران از سه روز قبل اعتصاب شان را شروع و در روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت نیز ادامه داشت. اوضاع جامعه ایران در

شرایط فروپاشی اقتصادی کامل قرار دارد و رژیم چاره ای جز کوبیدن بر طبل شرایط جنگی ندارد. در بطن این اوضاع مشکلات اقتصادی بیش از پیش کارگران و مردم را در تنگنا قرار داده و زندگی را عملاً به جهنم تمام عیاری تبدیل کرده است. کارگران راهی جز مبارزه متشکل و هماهنگ بر علیه رژیم ندارند. کارگران راه آهن با تشکیل شورای هماهنگی کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن، به همه کارگران راه

اعتراضات همدیگر، زمینه ساز سرتاسری شدن این مبارزات است. با مبارزات متحدانه و متشکل میتوانیم رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنیم. زنده باد اعتصابات و اعتراضات سرتاسری

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری
سردبیر: خلیل کیوان

پیش بسوی تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ مه ۲۰۱۹ - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

فراخوان معلمان ارومیه به تجمع علیه دستگیری یاسر امینی آذر

معلمان در شهر ارومیه در اعتراض به بازداشت دستگیری یکی از همکارانشان بنام یاسر امینی آذر برای ساعت ۴ عصر پنجشنبه ۲ خرداد به تجمع در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر فراخوان داده اند. خطاب این فراخوان به معلمان در ارومیه و در شهرهای نزدیک آن از جمله خوی، سلماس، چالدران، ماکو، جلفا، سقز، سردشت، بوکان، مهاباد، پیرانشهر، نقده و سایر شهرهای استانهای کردستان و آذربایجان غربی و شرقی است. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "هر طور شده خودتان را به تجمع دو خرداد در ارومیه برسانید. این تجمع بسیار حیاتی و تعیین کننده در آزادی یاسر است. آزادی یا استمرار بازداشت او در وضعیت معلمین تعیین کننده است. چرا که فردا نوبت سایر معلمان است. فردا نوبت خودمان است، پس امروز آنرا متوقف کنیم." یاسر امینی آذر روز ۱۷ اردیبهشت هنگام خارج شدن از مدرسه محل کارش در مهاباد توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر گردید. در اعتراض به این دستگیری و برای آزادی وی کارزار گسترده ای به راه افتاده است. در همین راستا طوماری اعتراضی منتشر گردیده و کلیپ هایی تصویری از سوی همکاران یاسر در حمایت از وی منتشر شده است. در ادامه این فعالیت ها فراخوان به تجمع دوم خرداد داده شد. فراخوان معلمان در شهر ارومیه در همبستگی با همکار بازداشتی خود یاسر امینی آذر نمونه آموزنده و شورانگیزی از یک کارزار مبارزاتی متحدانه علیه دستگیریها و سرکوبگرها و در دفاع از زندانیان سیاسی بدست میدهد و باید وسیعا از آن حمایت کرد. تجمعات برای آزادی بازداشت شدگان اخیر و تمامی زندانیان سیاسی را باید سراسری و در همه جا بر پا کرد. باید وسیعا اطلاع رسانی کرد و در این تجمع اعتراضی شرکت کرد. جرم یاسر امینی آذر شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان با خواستهای تحصیل رایگان برای همه کودکان، افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی، پایان دادن به کالایی شدن آموزش، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن، درمان رایگان، لغو طرح برده وار معلم تمام وقت، پایان دادن به اختلاس ها و داشتن یک زندگی انسانی است. خواستهای معلمان خواستهای مردم است. از مبارزات و خواستهای معلمان و از یاسر امین آذر معلم زندانی و تمامی معلمان در بند باید وسیعا حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری حزب کمونیست کارگری ایران
۲۹ اردیبهشت ۹۸،
۱۹ مه ۲۰۱۹

تمامی کارگران بازداشتی هفته اخیر نیشکر هفت تپه آزاد شدند اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را هم آزاد میکنیم

روز شب ۲۹ اردیبهشت تمامی کارگرانی که هفته گذشته در نیشکر هفت تپه بازداشت شده بودند، با قرار کفالت و وثیقه آزاد شدند. کارگران نیشکر هفت تپه در روز نوزدهم اردیبهشت در اعتراض به تعویق دو ماه دستمزد امنیتی کردن فضای کارخانه، و همچنین برای انحلال شورای اسلامی دست به تجمع زدند. یک خواست مهم این کارگران آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان است. در این رابطه در اسفند ماه طوماری اعتراضی دادند و بخش عظیم کارگران این مجتمع کارگری آنرا امضا کردند. بدنبال تجمع اعتراضی روز ۱۹ اردیبهشت رژیم اسلامی در هراس از سربلند کردن دوباره اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و گسترش دامنه آن با احضار و دستگیری کارگران تلاش کرد اوضاع را تحت کنترل در آورد. اما کارگران اعلام کردند که اگر بازداشت شدگان آزاد نشوند و به خواستهایشان پاسخ داده نشود، اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت. زیر فشار چنین فضایی از اعتراض است که کارگران بازداشتی هفته گذشته آزاد شدند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ضمن ابراز خوشحالی از آزادی کارگران بازداشت شده خواستار بسته شدن پرونده قضایی تشکیل شده برای این کارگران است. گفتنی است که علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه طی احضاریه ای از طرف دادسرای اوین (شهید مقدسی) به بازپرسی شعبه هفتم دادسرای اوین احضار شده است که میبایست در روزهای آینده خودش را به این دادسرا معرفی کند. همچنین اسماعیل بخشی نیز همچنان در زندان نگه داشته شده است. علی نجاتی، اسماعیل

بخشی و سپیده قلیان در جریان واعتصابات چندماه گذشته بازداشت شدند و بخشی و سپیده قلیان همچنان در زندان هستند. احضار علی نجاتی به اوین باید با اعتراض پاسخ گیرد. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان باید فوراً آزاد شوند. اعتراضات گسترده و رفتن بسوی اعتصابات سراسری یک پاسخ محکم به سرکوبگری های حکومت است. کارگران زندانی، معلمان بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

#نه به وثیقه کمپین برای آزادی کارگران زندانی
shahla.daneshfar2@gmail.com
il.com
http://free-them-now.com/
۲۰ مه ۲۰۱۹،
۳۰ اردیبهشت ۹۸

۹ خرداد تجمع معلمان برای پیگیری خواستهایشان در مقابل ادارات آموزش و پرورش

معلمان برای پیگیری خواستهای خود در تدارک تجمعات اعتراضی سراسری خود در پایان سال تحصیلی جاری در ۹ خرداد ماه هستند. اعتراض معلمان به دستگیری ها، شرط وثیقه برای آزادی همکارانشان، و نیز کسر مبلغی از فیش های حقوقی اردیبهشت ماه میباشد. قضیه از این قرار است که چون در ماه فروردین میزان افزایش حقوق معلمان مشخص نبوده است، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان علی الحساب به آنها پرداخت شده است و اکنون میخواهند آن پول را از فیش حقوقی اردیبهشت معلمان کسر و به خزانه داری بازگردانند. معلمان به حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند و یک خواست اعلام شده آنان افزایش حقوق به بالای خط

فقر ۷ میلیون تومانی است. از سوی دیگر معلمان به بازداشتها و تعیین وثیقه برای آزادی دستگیر شدگان اعتراض دارند و با هشتک # نه به وثیقه به تدارک تجمعات سراسری خرداد ماه خود میروند. بدین ترتیب معلمان پرچم آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی را بدست گرفته اند.



**WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD**



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker Communist Party of Iran
www.wpiran.org

اطلاعیه خبری:

تجمعات کارگران آذربای، کارمندان و پرستاران بیمارستان خمینی، متروی تهران و تدارک تجمعات

- روز ۳۱ اردیبهشت کارگران آذربای اراک در اعتراض به تعویق پرداخت ۳ ماه دستمزد دست به تجمع زدند. این شرکت سازنده پروژه های نیروگاهی است و کارگران بارها اعتراضات جمعی موافقی برپا کرده اند. زیر فشار این حرکت اعتراضی و بویژه با توجه به سابقه مبارزات فراموش نشدنی این کارگران در کنار کارگران هپکو در سال ۹۶ که شهر اراک را به تحرک در آورد، حسین بختیاری (فرماندار اراک) در جمع کارگران حاضر شد. او با گفتن اینکه حقوق معوق اسفند ماه کارگران در این روز به حساب آنان واریز شده است، وعده پرداخت حقوق فروردین ماه کارگران را داد. کارگران اعلام کردند که اگر دستمزدهای معوقه آنان فوراً پرداخت نشود، اعتراضات خود را گسترده تر ادامه خواهند داد.

- روز ۳۱ اردیبهشت ماه کارمندان و پرستاران بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به خیابان آمده و با شعار «نه استاندارد نه شهردار، نیستن به فکر درمان» صدای اعتراض خود را بلند کردند. کارکنان این بیمارستان پیش از این نیز دست به اعتراض و تجمع زده اند.

- روز ۳۱ اردیبهشت شماری از کارکنان متروی تهران، در اعتراض به خارج کردن آنها از قرارداد رسمی و پیمانی شدن قراردادشان در محوطه‌ی ساختمان شرکت بهره‌برداری راه‌آهن شهری تهران تجمع کردند.

- معلمان برای پیگیری خواسته‌های خود در تدارک تجمعات اعتراضی سراسری خود در پایان سال تحصیلی جاری در خرداد ماه هستند. اعتراض معلمان به دستگیری ها، شرط وثیقه برای آزادی همکارانشان، و نیز کسر مبلغی از فیش های حقوقی اردیبهشت ماه میباید. قضیه از این قرار است که چون در ماه فروردین میزان افزایش حقوق معلمان مشخص نبوده است، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان علی الحساب به آنها پرداخت شده است و اکنون میخواهند آن پول را از فیش حقوقی اردیبهشت معلمان کسر و به خزانه داری بازگردانند. معلمان به حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند و یک خواست اعلام شده آنان افزایش حقوق به بالای خط فقر ۷ میلیون تومانی است.

از سوی دیگر معلمان به بازداشتها و تعیین وثیقه برای آزادی دستگیر شدگان اعتراض دارند و با هشتک # نه به وثیقه به تدارک تجمعات سراسری خرداد ماه خود میروند. بدین ترتیب معلمان پرچم آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی را بدست گرفته اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ۳۱ اردیبهشت ۹۸، ۲۱ مه ۲۰۱۹

فراخوان بازنشستگان فرهنگی به تجمع و چند خبر اعتراضی دیگر

سال ۹۷ که باید دو برابر پایه حقوق پرداخت می‌شد، تنها نیمی از آن به حساب پرستاران واریز شده است. پرستاران بیمارستان آزادی همچنین خواستار اجرای طبقه‌بندی مشاغل هستند که اندکی به دریافتی آنها اضافه می‌شود. به گفته پرستاران طبق قانون کارفرما باید حق تعطیل کاری و جمعه کاری را در دستمزد آنها محاسبه و حق جذب و ماندگاری را در فیش حقوقی آنان درج کند. اما علیرغم اعتراضات آنان این امر هنوز محقق نشده است. همچنین پرستاران می‌گویند که ساعت کار عرفی بیمارستان پیش از این ۶ ساعت و نیم بوده که اخیراً به ۷ ساعت و نیم تغییر یافته است. اینها همه موضوعات اعتراض پرستاران بیمارستان آزادی است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری حزب کمونیست کارگری ایران ۲۹ اردیبهشت ۹۸، ۱۹ مه ۲۰۱۹

تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه‌شان دست از کار کشیدند. از هفتم اردیبهشت دور جدیدی از اعتصابات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان شروع شده و این کارگران بطور متوالی دست از کار کشیده اند. - روز ۲۸ اردیبهشت کارکنان بیمارستان صنایع پتروشیمی واقع در شهر چمران شهرستان ماهشهر در پی اعتراض به واگذاری این بیمارستان و خطر از دست دادن کار خود دست به اعتصاب زدند. - روز ۲۸ اردیبهشت پرستاران بیمارستان آزادی در اعتراض به عدم دریافت اضافه کاری و کارانه خود در مقابل دفتر پرستاری و مدیریت بیمارستان، تجمع کردند. پرستاران این بیمارستان که تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی قرار دارد، از دی ماه سال ۹۷ تاکنون اضافه کاری خود را دریافت نکرده اند. آنها همچنین کارانه خرداد، دی، بهمن و اسفند سال گذشته را طلب دارند. بعلاوه اینکه عیدی

معلمان بازنشسته سال ۹۶ در اعتراض به عدم پرداخت حق پاداش سال ۹۷ خود برای ساعت ده صبح روز ۳۱ اردیبهشت به تجمع در مقابل وزارت آموزش و پرورش فرخوان به تجمع داده اند. این بازنشستگان در سال ۹۷ نیز در همین رابطه تجمع داشتند و حدود ۸۰۰ نفر از آنان از سراسر کشور از شهرهای چهار محال و بختیاری، بجنورد، تهران، کرمانشاه، چالوس، قزوین، کرج، ارومیه، یزد و ...مقابل ساختمان آموزش و پرورش تجمع کردند. بازنشستگان فرهنگی با خواستهایی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان برای همه، افزایش مستمری ها به بالاتر خط فقر هفت میلیونی و پایان دادن به اختلاس های و دزدیها تاکید کرده و صدای اعتراض کل جامعه را فریاد زده اند.

- روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت کارگران راه‌آهن اراک - شازند - نورآباد و همچنین کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن تبریز آذربایجان در گذرگاه

از صفحه ۷

جنبشی قدرتمند برای باز کردن زندانها

احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی خواسته‌های همین امروز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی هستند. با اتکاء به جنبش اجتماعی و بالنده مبارزه برای آزادی زندانی سیاسی برای عملی کردن فوری این خواستها باید قدرتمند به جلو آمد و در زندانها را گشود. در ادامه این مبارزه و با سرنگونی جمهوری اسلامی است که میتوان و باید به دوره زندانهای سیاسی و سرکوب و خفقان را نیز یک بار برای همیشه پایان داد و جامعه ای سازمان داد که یک بند مهم قانون اساسی آن آزادی بی قید و شرط سیاسی است.*

اعتراض در مقابل آن هستیم. نکته مهم در این میان اینست که جلب حمایت جهانی از مبارزات کارگری امروز جایگاه برجسته ای در مبارزات کارگری در ایران پیدا کرده و یک تلاش مهم کارگران انعکاس جهانی صدای اعتراضشان است.

خلاصه کلام اینکه آزادی فوری و بدون قید و شرط بازداشت شدگان اول ماه مه و دستگیرشدگان اخیر، آزادی اسماعیل بخشی، سیدهدیه قلیان، جعفر عظیم زاده، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و لغو تمامی

حکومت اسلامی هستیم. آخرین نمونه اش بیانیه مشترک دهها تشکل کارگری بین المللی در همبستگی با جنبش و فعالان کارگری ایران در پنجاه و دومین کنگره کنفدراسیون عمومی کار - س ژ ت، دیژون فرانسه است که در آن ضمن محکوم کردن سرکوبگری های جمهوری اسلامی خواستار آزادی فوری بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و اسماعیل بخشی و سیدهدیه قلیان شده بودند. در همین راستا اجلاس سازمان جهانی کار به زودی برگزار میشود و ما با گفتمان اخراج جمهوری اسلامی از این سازمان و انزوای آن در سطح جهانی به تدارک حضور